

به نام خدا

سرباز علم، سرباز فرهنگ

یادنامه‌ی عبدالحسین زرّین کوب

به سعیِ دکتر محمدجواد حق شناس

انتشارات داستان سرا

سرباز علم، سرباز فرهنگ : یادنامه‌ی زنده‌یاد عبدالحسین زرّین‌کوب /
به سعی محمدجواد حق‌شناس... شیراز: داستان سرا، ۱۳۸۳.
ISBN:964 - 7979 - 49 - 5 ص ۳۰۴.
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه. نمایه.
۱. زرّین‌کوب، عبدالحسین ۱۳۰۱ - ۱۳۷۸ -- یادنامه‌ها. الف. حق‌شناس، محمدجواد.
۱۳۳۹ ، گردآورنده. ب. عنوان. یادنامه‌ی زنده‌یاد عبدالحسین زرّین‌کوب.
۸۳ ی ۹۶ / ر ۸۰۷۶ PIR
۸ / ۰۶۲ فا
ح س / ۴۳ ز
۱۳۸۳
م ۸۳ - ۲۶۵۶۳ کتابخانه ملی ایران

کتاب دیگر ۸

زیر نظر:

دکتر محمدجواد حق‌شناس

(معاونت امور مجلس و هماهنگی استان‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)

انتشارات داستان سرا

سرباز علم، سرباز فرهنگ

(یادنامه‌ی عبدالحسین زرّین‌کوب)

به سعی دکتر محمدجواد حق‌شناس

ویراستاری و آماده‌سازی: محمد ولی‌زاده

روی جلد: سیاوش برادران

حروف‌نگار: میترا نعمت‌الهی

چاپ اول: ۲۲ مهرماه ۱۳۸۳، شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی و چاپ: شریعت

همه‌ی حقوق محفوظ است

انتشارات داستان سرا:

شیراز: صندوق پستی ۱۶۸۷ - ۷۱۳۶۵

Dastansarapublication@yahoo.com

شابک: ۹۶۴ - ۷۹۷۹ - ۴۹ - ۵

ISBN: 964 - 7979 - 49 - 5

فهرست

- مقدمه / دکتر قمر آریان ۵
- نثار روان فیاض و طبع دریایی استاد عبدالحسین زرّین کوب / دکتر محمدجواد حق شناس ۷
- شاید که چشمه بگرید به های هوی / علیقلی نعمتی زاد ۱۴
- یکی گنجی پدید آید درین دکان زرکوبی / ایرج کاظمی ۱۶
- انسان و فرهنگ / دکتر عبدالحسین زرّین کوب ۱۹
- از پله پله تا به ملاقات دوست / دکتر مهدی ماحوزی ۲۶
- بررسی آراء و نظرات عرفانی دکتر عبدالحسین زرّین کوب / هما ناظم ۳۰
- دکتر عبدالحسین زرّین کوب و نهضت نوین فرهنگی / علی دهباشی ۵۵
- روش سهل و ممتنع دکتر زرّین کوب در تحقیق و نگارش / نرگس اسکویی ۶۷
- زرّین کوب، فروزانفر و تحقیقات ادبی معاصر / محمدصادق بصیری ۸۳
- زرّین کوب و اعتلای نسل دانشگاهی / دکتر عبدالرضا مدرّس زاده ۹۶
- زرّین کوب و اسلام پژوهی / فریدون شایسته ۱۲۵
- زرّین کوب و مولوی پژوهی / محمود صادقی زاده ۱۳۳
- سرباز فرهنگ، سرباز علم / دکتر روزه زرّین کوب ۱۵۳
- صابتین مندایی در آثار زرّین کوب / عادل شیرالی ۱۵۹
- قدر مشترک های پرومته های فرهنگ و ادب معاصر ایران و عرب / حبیب الله عباسی ۱۷۲
- مأثر و مفاخر آذربایجان در ذهن و زبان دکتر زرّین کوب / ابوالفضل علیمحمدی ۱۸۳
- مروری بر کارنامه‌ی شاهنامه پژوهی زرّین کوب / سجّاد آیدنلو ۱۹۴
- همراه با زرّین کوب در گلشن عرفان اسلامی / دکتر سید احمد پارسا ۲۲۴
- فهرست آثار و تحقیقات دکتر عبدالحسین زرّین کوب / عنایت الله مجیدی ۲۴۴

مقدمه

دکتر قمر آریان

توجه دوستان و جوانان به تتبع در آثار همسر فقیدم دکتر عبدالحسین زرین کوب
برایم موجب امید و خوشوقتی است؛ زیرا آثار ایشان اعم از ادب، نقد، فلسفه،
تصوف، عرفان، تاریخ و ادیان، علاوه بر عمق و اصالتی شگفت آور، با منابع و
مآخذ اصیلی که برای تمام مباحث در اختیار خواننده می‌گذارد، بسیار قابل
تحقیق است؛ به ویژه که اکثر این منابع به دقت مطالعه شده و به اصطلاح غث و
سمین آن تعیین گشته، تا خواننده و پژوهنده به هر مأخذی بی‌توجه به اصالت و
صحت آن اعتماد ننماید.

این‌که توجه عزیزان را به این آثار موجب امید دانسته‌ام از این روست که در
این روزگار آن قدر گرفتاری‌ها و دل‌مشغولی‌های بی‌ارزش، انسان را به خود
مشغول می‌دارد که مجالی برای پرداختن به حیات معنوی و امور جدی باقی
نمی‌ماند.

وقتی می‌بینم جوانان و دوستان به آثار ارزنده و سرشار از تحقیق و تعمّق توجّه کرده‌اند، این شوق و توجّه را برای آینده‌ی فرهنگ این سرزمین به ویژه اعتلای زبان فارسی - که امروز بیش از همیشه توجّه به آن ضروری است - مایه امید می‌بینم.

باری از وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی و اولیای فرهنگ لرستان و مسئولان محترم این خطّه از میهن - که خاطرات دلنواز گذشته آن بر در و دشت و کوهساران و اعماق زمین آن به یادگار مانده است - نهایت امتنان را دارم و امید دارم جوانان ما بتوانند ایران عزیز را در این جهان پرآشوب غرق در مادّیات، با همان زبان والا و فرهنگ انسانی‌اش حفظ نمایند.

و من الله توفیق

۸۳/۶/۲۰

نثار روان فیاض و طبع دریایی استاد عبدالحسین زرین کوب

دکتر محمدجواد حق شناس*

به نام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین
گفتن و نوشتن از استاد عبدالحسین زرین کوب سخت است و سخت تر آن که
بخواهی از کسی سخن بگویی و چیز بنویسی که در هر جایی و هنری که وارد
شده آن را به حد کمال خود رسانده و به عبارتی به هر چیزی که دست زده، طلا
گردیده است.

برای گفتن از استاد زرین کوب همین بس که هر جوینده‌ای که به اثری از آثار
ایشان دست یافت، درنگ نکرده و با اطمینان و اعتماد بر آن مهر درستی زده
است.

استاد زرین کوب درختی گشَن و برومند است که هر برگ نوشته‌اش پیامی
شیرین از معرفت پروردگار دارد و ما این را از کثرت آثار او، در ابعاد مختلف به

* معاون امور مجلس و هماهنگی امور استان های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

خوبی درک می‌کنیم. نکته‌ی مهم درباره‌ی دکتر زرّین‌کوب این است که او از زمان کودکی یا نوجوانی، از شهر و موطنش بروجرد، با نشیب و فراز، و تلاطم زیاد و رنج مستمر زرّین‌کوب شده، حجم بی‌شکلی زر را زیر چکش اندیشه کوییده، و خود را در هزارتوی آموختن و آموزاندن و پژوهش و تحقیق و تفسیر عاقبت به‌خیر کرده است.

گفتم که زرّین‌کوب بی‌اغراق، دریایی از فرهنگ و ادب و خلاقیت بود، و از دریا ما چه گونه بگوییم که تمامی گستره‌ی آن را دربرگیرد! به یک تعبیر ساده زرّین‌کوب تا آن‌جا که حیات فیاضش اجازه داد، در تمامی یا بیشترین رشته‌ها و شعبات علوم فلسفی، دینی، ادبی، هنری، اجتماعی و تاریخی از کهن تا نو کنکاش و خرمن‌اندوزی کرد و بر سفرهای خالی ما گذاشت، و «چنین کنند بزرگان، چو کرد باید کار».

غیر از ژرف‌کاوی در اندیشه و ادب و هنر گذشته تا امروز، زرّین‌کوب چند ویژگی ممتاز دارد که با نگاهی به آثار او فوراً به چشم می‌خورد:

الف: خلق آثاری که بر محورهای معینی قرار دارند(البته در نگاه اول). مثلاً «از کوچه‌ی رندان» که به حافظ می‌پردازد؛ یا دو جلد کتاب ارزنده‌ی «سرّنی» که در مولانا غرق می‌شود؛ یا «نقش برآب» که آن‌هم در حافظ به کنکاش و چالش می‌پردازد؛ یا «بحر در کوزه» که باز با مولوی سر و کار دارد؛ «پله پله تا ملاقات خدا» هم همین‌طور، که اگر بشمریم این‌گونه کتاب‌ها به بیش از ۲۵ جلد می‌رسد. اما نکته‌ای که در این آثار به چشم می‌خورد، پرهیز از تحقیق فسیلی و کلیشه‌ای است و استاد خود، صاحب‌نظرانه و با دید تازه به ژرف‌کاوی می‌پردازد، و جواهرهای تازه‌ای از کان افکار بلند بزرگان بیرون می‌کشد که دیگران پیش از او کمتر به آن پرداخته‌اند. استاد خیلی بیشتر و عمیق‌تر از برخی پژوهشگران وارد گود این کارها می‌شود طوری که نوشته‌های او را پیر و جوان را خوش می‌آید و استاد و دانشجو به یک اندازه از آن بهره می‌گیرند.

ب: پژوهشگران معروف ما، به‌ویژه پیشکسوتان، یا مورّخ مطلقند یا محقّق

معمولی؛ اما استاد دقیقاً با دیدگاه یک معلّم امروزی به سراغ کار می‌رود و هر چه خلق می‌کند، دانشجو و خواننده‌ی امروزی نیازمند آنند. اما در همین مورد به مضامین و مسائلی هم روی می‌آورد که تقریباً تا زمان او مغفول بوده‌اند. مثلاً پژوهشگران مرحوم یا زنده‌ی ما، خیلی هستند که اصلاً کاری به ادب نو، نقد و آثار نو ندارند. در حالی که کتاب «آشنایی با نقد ادبی» او به بیش از چند چاپ رسیده که این برای نقد نوپای ادبی ما می‌تواند مبارک باشد؛ هر چند شیوه و دیدگاه استاد زرین‌کوب در نقد ادبی با بعضی از دیگر چهره‌های این حوزه متفاوت است؛ چون او درک کرده که ادب و هنر امروز نیازمند نقد و بررسی امروزی و غیر آکادمیک است.

نکته‌ی مهم‌تر این‌که او در بیش از یکی دو کتاب وقتی به شعر فارسی می‌پردازد هرگز دچار تعصّب نمی‌شود و شعر نوراً هم به میان می‌کشد، کاری که کمتر محققان به آن پرداخته‌اند (غیر از برخی اساتید جوان البته).

در زمینه‌ی تاریخ، با همان ویژگی‌ها، چندین کتاب را می‌توان نام برد: تاریخ ایران بعد از اسلام، تاریخ مردم ایران و ایران پیش از اسلام، تاریخ در ترازو - که نگاه به نوع تاریخ‌نگاری و تاریخی‌نگری دارد - و بالاخره «تاریخ مردم ایران از پایان ساسانیان تا پایان آل بویه». یا فلسفه شعر، دو قرن سکوت و...

ج - مجموعه‌ی مقالات و نوشته‌های استاد در مسائل مختلف بشری و هنری، یکسره تازه و آموزنده‌اند. «از چیزهای دیگر» مجموعه‌ی نقد و یادداشت و نمایش‌واژه‌هاست که در سال ۱۳۵۶ منتشر شده. «با کاروان اندیشه» که یادآور «با کاروان حُلّه» هم هست. استاد در زمینه‌ی اندیشه و اخلاق که سیر فلسفه‌ی غربی را هم شامل می‌شود گفت‌وگو کرده است.

«دفتر ایام»، «نقش بر آب»، «نه شرقی نه غربی انسانی»، «یادداشت‌ها و اندیشه‌ها» که مجموعاً شش دفتر غنی و برومند را شامل می‌شوند، و این‌ها غیر از هشت جلد ترجمه است که بیشتر از فرانسه برگردانده شده و در آن‌ها به فلسفه ارسطو و سایر جریان‌های فکری غرب پرداخته است. و اگر ده‌ها مقاله و رساله

را بر این‌ها بیفزاییم، به زحمت می‌توان جغرافیای رنج و زحمت استاد را مرزبندی کرد.

در هر حال استاد زرّین‌کوب، به معنی کلمه طلاهایی در ترازوی فرهنگ ما گذاشته که همیشه لنگه‌ی تفکّرات زرّین او بر نکرده‌ها می‌چربد. و اگر ما به پاس چنین استادی، جشنواره‌ها هم راه بیندازیم، در ادای دین به این ایرانی دورانساز و عاشق اندیشه، کم خواهیم آورد.

ضمناً از میان همه‌ی کتاب‌هایی که نام برده شد - از سرّنی تا رسالات و تا چند اثر چاپ نشده‌ی ایشان -، در میان کتاب‌هایی که درباره‌ی استاد نوشته شده، یا رسالات و مقالات نویسندگان برجسته‌ی کشور، کتاب «درخت معرفت» جناب دکتر محمّدخانی با دقّتی خاص، اگر نه همه، بیش از نیمی از حاصل زحمات دکتر زرّین‌کوب را در برابر ما قرار داده و کار جویندگان را آسان کرده است. همچنین کار آقای علی دهباشی - «کارنامه‌ی زرّین» - که این روزها هم مشغول تدوین خاطرات استاد و همچنین در کار گردآوری و تدوین دفترهاست. مأجور باد ارنج همه‌ی آن‌ها که جان و وقت و قلم خود را خرج فرهنگ این دیار می‌کنند.

استاد در کتاب یادداشت‌ها و اندیشه‌ها (بخشی از مقالات و اشارات) چاپ سازمان انتشارات جاویدان، در زمینه‌ی ضرورت نقد آثار ادبی و فکری گذشتگان و امروزیان می‌نویسد: باری، نقد متون، اساس هر نوع دیگر از انواع نقّادی است، و در حقیقت خشت اوّل و رکن اعظم نقد ادبی است، چون بی آن هیچ نکته‌ای را نمی‌توان از آثار قدما استنباط کرد و هرگونه نقد تاریخی یا ذوقی و یا لغوی که در باب آثار قدما بشود، تا بر متون صحیح معتبر متکی نباشد، سندیت و اعتبار ندارد.

به سبب همین ضرورت و اهمیت نقد متون است که فضلا و محققان عالم از خیلی قدیم بدان توجّه کرده‌اند و بعضی اصول و قواعد را هم در آن به کار برده‌اند. استاد در مقایسه متون عربی و فارسی قدیم، باریک اندیشی ظریفی

کرده‌اند که در صفحه ۳۹ کتاب یادداشت‌ها مکتوب است، و تصحیحات عربی را که مبتنی بر روایات مستمر بوده، بر نسخ فارسی که بیشتر تصحیف‌خوانی و قیاسی بوده ترجیح داده‌اند.

استاد در توجّه به موضوع مهم نقد و ضرورت آن، گذشته از متون کهن فارسی یا عربی، به رواج نقد در ادب غرب و بعضی تأثیرات ناقص یا درست آن بر نقدنگاری در ایران اشاره می‌کند که نظر صائبی است، و ما امروز شاهد گرت‌برداری‌های نادرست و ناموزون در این زمینه هستیم.

نکته‌ی بسیار جالب در مورد استاد زرّین‌کوب برای من این است که به هر کدام از آثار متعدّدش که رجوع می‌کنی، ضمن شرح و بسط آموزنده، دیدگاه انتقادی را همیشه با خود و با نگاه تیزبین خود دارد. تسلط نقدآمیز او بر ادب کلاسیک فارسی، بی‌چون و چرا است. دید نقدآمیز استاد، به یکی دو مورد بسنده نمی‌کند. نقد او بر عطار همان‌گونه جاری است که مفسر او استاد فروزانفر.

سخن که به این جا آمد لازم است گفته شود که نکوداشت یاد و خاطره‌ی چهره‌های مطرح معاصر - در حوزه‌های مختلف دین، فرهنگ، هنر و ادبیات - ضروری و بر اولیای آن واجب است. به همین نیت و در همین راستا (در یکی دو سال گذشته)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بزرگداشت نامداران عرصه‌های مختلف را در استان‌های کشور عهده‌دار شده و تلاش کرده تا گوشه‌هایی از آفرینش‌های آنان را معرفی و ارج بگذارد.

بزرگداشت آیت الله بلادی و پاسداشت یک عمر شاعری منوچهر آتشی در بوشهر، برگزاری مراسم نکوداشت استاد عبدالرحمان شرفکنندی (هه‌ژار) در مهاباد، تجلیل از تلاش‌های سازنده و راهگشای استاد عباس زیراب‌خویی در زادگاهش خوی، یادمان زنده یاد حسین منزوی غزلسرای نام آور معاصر در زنجان، بزرگداشت شاعر مطرح جنگ و ادبیات دفاع مقدّس، زنده‌نام تیمور ترنج در شهرکرد، گرامیداشت یاد و خاطره‌ی حسین پناهی بازیگر سینما، تئاتر

و تلویزیون، شاعر و نمایشنامه‌نویس در یاسوج، از برنامه‌هایی است که تاکنون به همت مدیران استان‌ها و معاونت امور مجلس و هماهنگی امور استان‌ها، و با یاری و همکاری فعالان و صاحب‌نامان عرصه‌های مختلف دینی، ادبی و هنری و با حضور پرشور آن‌ها برگزار گردیده است.

«کتاب دیگر» نیز عنوان سلسله مجموعه‌ای است که زیر نظر همین معاونت و در جهت معرفی هرچه بیشتر هر چهره، همزمان با روز مراسم چاپ و منتشر می‌شود که مجموعه‌ی حاضر هشتمین شماره از این سری را در بر می‌گیرد که به استاد دکتر عبدالحسین زرّین‌کوب اختصاص یافته است. در هر دفتر از این مجموعه سعی شده که با همراهی نویسندگان، منتقدان و دیگر اصحاب قلم، زندگی و آثار چهره‌ی مورد بحث به نقد و واکاوی گذاشته شود که تاکنون بسیاری از فرهیختگان معاصر، همراهی خود را از ما دریغ نکرده‌اند.

«سرباز علم، سرباز فرهنگ» عنوان یادنامه‌ی استاد زرّین‌کوب است که در برگیرنده‌ی تعدادی از مقالات رسیده به دبیرخانه‌ی کنگره و مقاله‌ای منتشر نشده با عنوان «انسان و فرهنگ» از خود استاد است که پیش روی شماست. لازم است از تمامی نویسندگانی که با ارسال آثار خوب خود ما را همراهی کرده‌اند، سپاسگزاری کنم و از بعضی این عزیزان که به دلیل کمبود صفحات موفق به ارائه‌ی مقالات آن‌ها نشده‌ایم، پوزش بخواهم: «محیط فضل و آداب و مستغنی از القاب» از دکتر سید محمد دامادی، «علامه‌ی قرن، مورخ اندیشه» از فرهنگ جهانبخش، «درباره‌ی حافظ‌شناسی زرّین‌کوب» از مهدی بهلولی، «زرّین‌کوب و شاهنامه» از بهروز زرّین‌کوب، «نقد و تحلیل اجمالی آثار استاد عبدالحسین زرّین‌کوب» از بیتا قنبری، «نقد و بررسی کتاب جستجو در تصوف ایران» از غلامرضا شمسی، «زرّین‌کوب و شاهنامه» از رضوان مهرابی و بسیاری مقاله‌ی خوب و خواندنی دیگر که تنها و تنها به دلیل کمبود صفحات، این کتاب از همراهی آن‌ها محروم مانده است. امید است اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان لرستان، مقالات جامانده از کتاب، همراه با سخنرانی‌هایی که در کنگره ارائه

خواهد شد را گردآوری و در ویژه‌نامه‌ای منتشر و یا در نشریه «فرهنگ و هنر» ویژه‌ی استاد عبدالحسین زرّین‌کوب به چاپ برساند.

بر خود واجب می‌دانم از وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی جناب آقای احمد مسجد جامعی که پیوسته اندیشه‌ی برپایی چنین برنامه‌هایی، بخصوص بزرگداشت استاد زرّین‌کوب را با خود داشته و همراه و مشوق بوده، صمیمانه تشکر و قدردانی نمایم و امیدوارم بتوانیم با همدلی و استفاده از نظرات صائب ایشان و مدیران استان‌ها و سایر اصحاب فضل و قلم، کار و تلاش و توانایی‌های دیگر بزرگان میهن عزیز اسلامی‌مان را ارج نهاده و گرامی بداریم.

از دکتر علی‌اصغر محمّدخانی محقق خوش‌فکر، پژوهشگر پرتلاش و سردبیر مجله‌ی خواندنی «کتاب ماه ادبیات و فلسفه» که در بسیاری برنامه‌های این‌چنینی به ویژه کنگره‌ی بزرگداشت استاد زرّین‌کوب همراه و همفکرمان بوده‌اند، سپاسگزارم.

جناب آقای نعمتی‌زاد، مدیر کل محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی استان لرستان و دیگر همکارانشان در آن استان و شهرستان بروجرد، بخصوص جناب آقای کاظمی - دبیر کنگره - در برپایی این مراسم نقش بسیار به‌سزایی دارند و هم‌ی توش و توانشان را در این راه صرف کرده‌اند. به هم‌ی آن‌ها خسته نباشید می‌گویم.

از جناب آقای محمّد ولی‌زاده، کارشناس محترم هماهنگی امور استان‌ها نیز که در برگزاری مراسم و آماده‌سازی و ویراستاری این کتاب سهمی دارد، سپاسگزارم.

در پایان، «سرباز علم، سرباز فرهنگ» را به یار و همراه استاد زرّین‌کوب، دانشمند گرانقدر و ارجمند سرکار خانم دکتر قمر آریان تقدیم می‌کنم.

شاید که چشمه بگیرد به های های بر بوستان که سرو بلند از میان برفت

علیقلی نعمتی‌زاد*

پروردگار بی‌همتا را سپاس می‌گوییم که به ما کرامتِ پاسداشت و حق‌شناسی را ارزانی داشت آن‌گونه که در سرزمین ولاییِ ایران اسلامی پاسخگوی فضیلت‌ها و درخت معرفت انسان‌های به صورت و معنی جاودانه تاریخ باشیم...

در طی چند سال اخیر هرچندگاه شاهد برپایی مراسم نکوداشت بزرگی از سلاله رهروان طریقت و حقیقت و شریعت هستیم. لرستان به حق سرزمین و زادگاه فرزندانگان و سکانداران عرصه علم و معرفت است. بزرگانی چون علامه بحرالعلوم، آیت‌الله العظمی بروجردی، آیت‌الله کمالوند، دکتر جلال عبده، دکتر سید جعفر شهیدی و سرانجام درخت پر بار معرفت و بحر در کوزه‌ی زمانه ما، عبدالحسین زرّین‌کوب که به تعبیر فضیلت مداران و استادان بزرگ روزگار که از نوابغ و نوادر زمانه از زمره

* مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان لرستان.

ستارگان این آسمان نیلگون و بی‌کرانه، خوشحالیم که با استعانت از نفس قدسیه کاروان سالار زمانه ایران اسلامی، مقام معظم رهبری و بهره‌گیری از دانش‌طلبی و ارج‌گذاری‌های بی‌شائبه مقام محترم ریاست جمهوری و مساعدت‌های ارزشمند جناب آقای مسجد جامعی، وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی و همین‌طور یاری و همدلی جناب آقای دکتر محمدجواد حق‌شناس، معاونت محترم امور مجلس وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دیگر دوستان و عزیزان همراه و همدل، پاسداشت مکارم و فضایل یکی از فرزندان فرزانه این سرزمین را ارج‌نهمیم...

استاد زرّین‌کوب از چهره‌ها و مفاخر بزرگ عرصه ادب و فرهنگ یکصد سال اخیر است که میزان فضیلت و معرفت وی بر همگان پوشیده نیست. با پرهیز از اطاله کلام به این نکته اشاره و بسنده می‌کنم که بسیار خوشحال و سرافرازم که در دوران خدمتگزاری خود در لرستان، شاهد و وظیفه‌دار برگزاری چندین مجلس تجلیل از بزرگان علم و دانش باشم... وظیفه دارم که از همه کسانی که در برپایی و زمینه‌سازی این مهم ما را یاری داده و وامدار بزرگواری‌های خود نموده‌اند، تشکر و سپاس داشته باشیم.

یکی گنجی پدید آمد در ین دگان زرکوبی زهی صورت، زهی معنی، زهی خوبی، زهی خویی

ایرج کاظمی*

فرزانه آگاه و بیدار دل، زنده‌یاد استاد عبدالحسین زرّین‌کوب در فرازی از کتاب ارزشمند «پله‌پله تا ملاقات خدا» می‌گوید: «این پرده‌نشین ناپیدا و قاهر و سوسه‌گر تمام میراث بهیمی را که انسان در ضمن تحوّل دایم اجزای کاینات در مراتب سیر، از جمادی تا انسانی را با خود آورده است در وجود خویش ذخیره دارد و با الزام قدرت طلبی و تجاوزجویی که لازمه تنازع بقا و خاص عالم حیوانی است بر نطق و اندیشه و بر عقل و اراده‌ای که محرک و هم‌معنان آن‌هاست حکم می‌راند و این سلوک عارفانه پله اوّل است برای صعود انسان بر نردبان کمال.» در سرتاسر آثار بی‌زوال این عبارات و جمالاتی که اوج قدرت ذهنی و توازن منطقی کلام و بهره‌گیری از قلم سحر و جاودانه او را نشان می‌دهد در خواننده،

* دبیر‌کنگره بزرگداشت استاد عبدالحسین زرّین‌کوب.

سرمستی و نشئه‌ای ایجاد می‌کند که گذر زمان را در حالتی از کشف و شهود معنوی به عینه درمی‌یابد... دریغ و درد که این بیان، ذکر شده‌ای از وی مصداق عینی و حجت بی‌چون و چرای این فضیلت‌مدار عرصه دانش و تحقیق است. در این مختصر قصد نداریم و نخواهیم داشت ذکر فضیلت و مراتب دانش کسی را برشمیریم که او چشمه فیاض و بحر پر از در و مرجانی است تا جهان باقی است ذخایر معنوی اش نه نقصانی خواهد داشت و نه از تب و تاب معرفت‌شناسی زمانه خواهد افتاد.

بزرگداشت استاد عبدالحسین زرین‌کوب در زادگاه و سرزمین اجدادی اش پس از سی سال که از نخستین پاسداشت او در زمان حیات و اوج کمال و پختگی او می‌گذشت بار دیگر - منتهی این بار در غیبت او - برگزار می‌گردد.

از چهارشنبه بیست و چهارم شهریور ماه ۱۳۷۸ یعنی پنج سال پیش که لحظه وصول روح بلند او به وادی و قرب رحمت حق بوده است تاکنون دغدغه این خیال که بزرگداشت مقام علمی این عزیز را در زادگاهش عهده‌دار گردیم و به پاس بزرگی‌ها و عظمت علمی او در کنار شیفتگان و علاقه‌مندان و همچنین هم‌نسلان و دوستان بزرگوارش به گفت‌وگو بنشینیم، یکدم از ما دور نبوده است؛ چرا که این هدف مشتاقانه و از سر اخلاص جزئی از برنامه‌ها و سیاست‌های انجمن اهل قلم لرستان بوده و امروز می‌بینیم که به پایمردی و فضیلت‌خواهی معاون محترم وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، فاضل گرانقدر جناب آقای دکتر حق‌شناس و تلاش‌های پیگیر مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی لرستان این امر تحقق یافت و ما امروز در زادگاه این بزرگ‌گرد آمده و به یاد او سخن می‌رانیم... در فراخوان، نخستین زمان برنامه ۲۶-۲۵ شهریور ماه تعیین شده بود ولی به دلایلی که گاه اجتناب‌ناپذیر می‌نماید، به این تاریخ یعنی ۲۲ و ۲۳

مهرماه ۱۳۸۳ موکول گردید. طبیعی است در این رهگذر بسیاری از همدلان و هم‌رهان یار و یاور ما بوده‌اند و از هیچ کوششی فروگذار نکرده‌اند. اگر از ذکر نام عزیزشان خودداری می‌کنم نخست این که دریغ دارم یاد عزیزی را از ذهن محوکنم و دیگر این که همه ما در این هدف و سراچه ترکیب یکسان و یکدل و بی‌هیچ‌گونه چشمداشت خود را وامدار درخت معرفت و کاروان حلّه پربرتک او می‌دانیم.

انسان و فرهنگ

اثری منتشر نشده از زنده‌یاد دکتر عبدالحسین زرین‌کوب

دنیایی که نخستین انسان با آن روبه‌رو شد، قبل از آن‌که دست‌های مهارت آزموده، و اندیشه تداعی‌پرور، آن را دستخوش دگرگونی سازد برای وی چهره‌ای خشن و معماگونه داشت. آن‌چه حاصل تصرّف و تدبیر انسان در این دنیای «بسته» گشت، میراث فزاینده‌ای شد که دوام آن به انسان امکان داد تا در مقابل طبیعت تنها تأثیرپذیر نباشد، نقش تأثیرگری هم داشته باشد و دنیای خویش را بدان‌گونه که با طبیعت و نهاد او توافق دارد بسازد. این میراث، در واقع فرهنگی انسانی بود و شامل تمام چیزهای ارزنده‌ای می‌شد که انسان به طبیعت افزوده بود و اگر نسل نخستین انسان در دنیا باقی نمی‌ماند، دنیا آن‌چنان‌که هست نبود، شاید به صورتی بود که تنازع بقا آن را برای فعالیت حیات جانوران دیگر ممکن می‌ساخت.

آیا می‌توان این میراث ارزنده را که تکامل مستمر آن بقای انسان را

ضمان می‌شود، و ردّ پایی است که از عبور انسان در خاکدان جهانی هست چنانکه باید ارج نهاد و یا تکامل انسانی آن را دستخوش مداخله هوسناکانه‌ای که با قانون بقای انسان و با طبیعت انسانی مغایر است کرد؟ معهذا در آنچه انسان در محیط حیات خویش دگرگونی پدید آورده است، افزارهایی که توسعه علم و تکنیک در اختیارش نهاده است مثل خود علم و تکنیک وی دائم در معرض تحوّل و تکامل بوده است. از این رو کالسکه بخار، کشتی شرعی و آسیای بادی، هر چند در عصر خود محیط زیست انسان را دگرگون کرده‌اند با اختراع افزارهای تازه دیگر اهمیت خود را از دست داده‌اند و آنچه به جای آن‌ها هست نیز با توسعه تکنیک و با کشف انرژی‌های تازه اهمیت خود را از دست خواهند داد. اما تغییری که انسان در طیّ تاریخ در دنیای خویش به وجود آورده است منحصر به دگرگونی‌هایی که در محیط پیرامون خویش ایجاد کرده است نیست. مهم‌تر از آن، دگرگونی‌هایی است که در وجود خود پدید آورده است و با آن دگرگونی‌ها دنیای درون خود را از طرز تفکر و احساس انسان بدوی تا انسان امروزیه عوض کرده است. این دگرگونی البته تفاوت زیادی بین انسان عهد جنگل با انسان عصر اتم به وجود آورده است اما گذشته از خود تغییر افزارهایی که برای ایجاد این تغییر به کار رفته است، برای انسان اهمیت دارد. این افزارها عبارت است از دین، اخلاق، تربیت، نوع حکومت، فلسفه و هنر که هر یک در طیّ ادوار خود عرضه دگرگونی‌های ناشی از وضع اقتصاد و حکومت جامعه‌ای انسانی نیز بوده‌اند.

در هر حال بحران فرهنگ امروزی ناشی از آن است که استغراق در آنچه به دگرگونی محیط بیرون مربوط است، انسان را با چندان وضعی به عالم بیرون مشغول داشته است که به وی فرصت برای ادامه‌ی تغییر در

خویش را کمتر می دهد و ازین رو رشد آهنگ تکامل و تحوّل انسان به پای تحوّل و تکاملی که به مدد علم و صنعت در محیط بیرون وی روی می دهد نمی رسد و جامعه بورژوازی با ایجاد نیازهای دایم، چنان وی را در شبکه اشتغال به احوال محیط بیرون افکنده است که کمتر در عصر حاضر می تواند مجالی برای ایجاد تحوّل های اساسی در وجود خویش، پیدا کند. اما به هر حال، آنچه تاکنون وی را حیثیت انسانی بخشیده است، مجموعه میراث هایی است که در تحوّل درونی وی تأثیر داشته است - و فرهنگ انسانی وی خوانده می شود: دین، هنر، عرفان، فلسفه، شعر و اخلاق و سیاست. تا این میراث به درستی ارزیابی نشود، حدود دگرگونی انسان در قیاس با دگرگونی محیط پیرامون وی نمی تواند به درستی شناخته آید.

اگر تمام فعالیت انسان در رفاه مادی وی مصروف شود، برای آنچه انسان را از طبیعت و حیوان جدا می کند چه نقشی باقی می ماند؟ بدون شک انصراف از رفاه مادی خطاست و اگر فرهنگ تأمین رفاه را بی اهمیت تلقی کند، از واقعیت گریخته است اما حصر توجه به رفاه هم خطای دیگر است و انسان تمام نیازهایش در آنچه می خورد و می پوشد و آنچه بدانها وابسته است، خلاصه نمی شود. پس در ورای عمل، که هدف آن غلبه بر طبیعت به منظور بهبود رفاه حیاتی است، نظر نیز در زندگی انسان جای پرارجی دارد هم از آن جهت که عمل بدون آن ممکن نیست و هم از آن سبب که خود آن به انسان شعور انسانی می دهد و غلبه او را بر طبیعت معنی و مفهوم می بخشد. تعادل بین جنبه نظری و عملی در انسان، برای این که رفاه او خالی از احساس سعادت نباشد، می بایست هدف عمده‌ی تربیت واقع شود. غلبه بر طبیعت که از علم حاصل می شود انسان را در تأمین رفاه دایم به جلو می برد و ترقی مادی انسان‌گویی هیچ جا نمی ایستد